

تا به کی؟ فاصله بین حرف و عمل

هفت سال حضور جامعه جهانی و تلاش های دولت در افغانستان، تاکنون نتوانسته بر مشکلات و چالش های هزار و یک رنگ افغانستان پایان دهد و در مقابل، بر میزان چالش ها و همچنین بر وخامت میراث ننگین گذشته در افغانستان افزوده است.

افزایش و گسترش ناآرامی ها، قدرت مند شدن و چالش ساز شدن مجدد طالبان، عدم وجود بازسازی متوازن، بی اعتنایی به اشتغال زایی و زدودن فقر، گسترش روز افزون فساد، گسترده شدن کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر، افزایش کشتار غیرنظامیان، ایجاد فاصله میان مردم با دولت و جامعه جهانی و افزایش اعتراض های آن ها، عدم وجود هماهنگی میان جامعه جهانی و میان آن ها با دولت و... از جمله مهم ترین دست آوردهایی (!) است که دولت و حامیان بین المللی آن تاکنون به ارمغان آورده اند.

چنین اوضاعی پس از هفت سال، از دولت افغانستان، دولتی ناکام ساخته که تلاش هایش برای بهبود اوضاع در کشور، ناکام بوده و موثریت چندانی به دنبال نداشته است. قوت و نیروی طالبان در افغانستان بیشتر از آن است که جهان باوردار دبه ازدیاد نیروهای نظامی خارجی کدام نتیجه مثبت بدست نه می آید. قندهار و ولایات همجوار به آن در دست طالبان است - یعنی تمام این شهرها به جز يك ۲ کیلومتر مربع در مراکز آن که در اختیار و کنترل حکومت کرزی صاحب است متباقی الی مرکز (کابل) در اختیار طالبان دارد - و اولین پست های تلاشی و کنترل طالبان تقریباً در ۱۵ کیلومتری کابل قرار دارد. حکومت حامد کرزی فاقد قدرت است. اکنون رانندگان و وسایط نقلیه که در مسیر شاهراه ها رقت امد مینماید مطابق هدایت و دستور مستقیم طالبان قرار دارد و اجازه نامه های کهری خود را توسط طالبان بدست آورده است. طالبان در مناطق دوردست برای خود محکمه هاجداگانه دارند.

سازمان صلیب سرخ جهانی اخطار داده است که اکنون در مناطق وسیعتری از افغانستان برای انجام عملیات بشردوستانه موانع شدید وجود دارد؛ یعنی بیش از ۴۰۰۰ نفر که دستکم يك سوم آنها غیرنظامی هستند، به علاوه نیروهای ناتو و ۳۰ تن از کارکنان سازمان های امدادی، در یازده ماه اخیر در این کشور کشته شده اند. **طوریکه برهمگان آشکار شده است که تجربه هفت ساله ناکام و شکست خورده مبارزه با تروریسم و به تحلیل جنگ اعلام نشده برضد ملت های افغانستان و عراق از سوی غرب در زیر پوشش استراتژی های مبهم امریکائیان، خروج نیروهای خارجی را از افغانستان به یک ضرورت منطقی مبدل کرده است که به مثابه نبرد احتمالی و بی سرانجام برضد ملت های افغانستان و عراق در تحت حاکمیت رژیم های آسیب پذیر، ناجور و فاقد مدیریت تلقی شده است و بس.** همپنان کاندید قبلی ریاست جمهوری امریکا، سناتور جان مکین در راس یک هیئت از سناتوران، چند روز قبل به کابل رفته با حامد کرزی و قوماندانان نیروهای امریکا در بگرام دیدن کردند، رئیس، هیئت سناتوران امریکایی اعتراف کرد که کابل در آستانه سقوط قرار داشته، احتمالات آن با گذشت هر روز بیشتر می گردد، وی وضعیت امنیتی افغانستان را خراب توصیف کرده، اظهار داشت که حکومت امریکا تصمیم گرفته تا بیست هزار سر باز دیگری به افغانستان اعزام نماید. در اینجا توجه خواننده گان محترم به دومصاحبه اخیر محترم کرزی صاحب جلب مینماید که فاصله بین حرف و عمل بین شان مشا هده میگردد...

متن مصاحبه حامد کرزی، رییس جمهور با روزنامه شیکاگو تریبیون به شرح ذیل است:

پرسش: نظر شما در مورد انتقاد آقای اوباما که گفته بود شما ضعیف عمل می کنید و بیش تر وقت تان را در بلنداژ (پناهگاه) صرف می کنید، چیست؟

کرزی: بلنداژ؟ ما بر عکس در سنگر هستیم و متحدین ما نیز با ما در سنگر هستند. در سال ۲۰۰۲، ما به قله بلند موفقیت رسیده بودیم و حمایت کامل مردم افغانستان را با خود داشتیم. طالبان و القاعده مخصوصاً در مناطق جنوبی افغانستان بدون مقاومت شکست خوردند. اکنون باید متوجه شویم و ببینیم که چرا ما در سنگر و یا به قول شما در بلنداژ هستیم. چرا ما در بلنداژ هستیم؟ هزار ها طالب دوباره به خانه های شان برگشتند و زنده گی عادی شان را از سر گرفتند، اما نیروهای ائتلاف یک تعداد قاتلین را استخدام کردند و با آن ها یک جا به خانه های صدها بزرگ قومی و مردم محل هجوم بردند و آن ها را مجبور به فرار از خانه های شان از افغانستان کردند. جای تعجب است که مردم افغانستان هنوز از ما حمایت می کنند و به ما اعتماد دارند. جای تعجب است که هنوز مردم با وجود بمباری های خانه های شان، کشته شدن کودکان و خانواده ها و بر بادی زنده گی شان، نزد من من حیث رئیس جمهور می

آیند.

ما زمانی می توانیم به ساده گی از این بلندآژ یا سنگر بیرون شویم که در برخورد خود در برابر این مردم بی چاره تغییرات بیاوریم. جامعه جهانی باید اشتباهات خود را تصحیح کند و نحوه برخورد شان در افغانستان را درست بسازند و دولت افغانستان را کمک کنند تا ما بتوانیم بیش تر از گذشته خدمت کنیم.

سال های متمادی است که ما فریاد می کشیم که جامعه جهانی باید توجه شان را به پناهگاه های اصلی تروریستان متمرکز بسازند، اما هیچ کسی به آن گوش نداد. سال هاست که می گویم جنگ علیه تروریسم در افغانستان نیست، ولی در مراکز آموزشی آن ها و پناهگاه های آن ها (در پاکستان) است. به جای این که نیروهای ائتلاف توجه شان را به مراکز آن ها معطوف بدارند، برعکس به فریه های افغانستان و به خانه ها هجوم بردند و مرتکب قتل و کشتار های غیر قانونی شدند. آخرین مثال آن، چند روز قبل در ولایت خوست بود که در اثر آن یک مرد، زن و کودک ۱۲ ساله کشته شد. آیا آن ها اعضای القاعده بودند؟ حتی اگر می بودند، آیا محکمه ای به این نیروها اجازه تیراندازی به خانه های آن ها را صادر کرده بود؟ آیا آن پسر ۱۲ ساله و یا آن زن اعضای القاعده بودند؟ اگر این گونه برخوردها ادامه پیدا کند، ما در سنگرهای عمیق تر از امروز فرو خواهیم رفت و این مبارزه علیه تروریسم با یک شکست شرم آور مواجه خواهد شد.

پرسش: هدف شما از قاتلین که از سوی نیروهای ائتلاف گماشته شده اند، چیست؟

کرزی: نیروهای ائتلاف قاتلین، جنگ سالاران یا هرچیزی که شما نام می گذارید، را گماشتند. نیروهای ائتلاف ملیشه هایی ساختند که هیچ محدودیتی در سوء رفتار با مردم افغانستان نداشتند. این افراد به خانه های مردم هجوم می برند و خانه های شان را بازرسی می کنند، مردم را توقیف و تهدید می کنند. هفت سال است که من همواره تاکید می کنم که این کار شما اشتباه است. پیش رفت های نیز در کنترل این اشخاص صورت گرفته است، اما باز هم این موارد اتفاق می افتد.

اگر شما می خواهید موفق شوید، این کار باید خاتمه یابد. ما زمانی می توانیم حکومت را بسازیم که این خودسری ها خاتمه یابد. اگر این نیروها خود سرانه به خانه های مردم هجوم ببرند، مردم را توقیف کنند و به قتل برسانند، آیا مردم افغانستان احساس خواهند کرد که حکومت دارند؟ «نه»، در واقع این چنین اعمال، حکومت افغانستان را تخریب می کند. اگر افغانستان یک کشور مستقل است، اگر افغانستان دارای حکومت منتخب است، اگر افغانستان دارای قانون اساسی است، اگر افغانستان از خود قوانین دارد و اگر شعار این است که دموکراسی و نهادهای دولتی در افغانستان تقویت گردد، پس استقلال افغانستان و قوانین آن باید رعایت شود و نه این که به شدیدترین شیوه قسمی که همین اکنون اتفاق می افتد، نقض شود.

بنابر این، درخواست و تقاضای من از جامعه جهانی و حکومت آمریکا، طوری که من در این مورد به ایشان درخواست های خود را فرستاده ام، این است که بیائید یک بار دیگر مسیر روابط خود را تعیین کنیم. من در برابر آن چه که در حکومت من نادرست است - فساد، مواد مخدر و یا عدم کفایت کاری - مسئولیت دارم، ولی، ما به بهبود کار همان گونه که پیش رفت هایی داشته ایم، متعهد هستیم و از جامعه جهانی می خواهیم که خود را برای رعایت حاکمیت ملی افغانستان و قوانین ما در پیش برد مبارزه با تروریسم با وسایل درست و برخورد پسندیده قویاً متعهد بسازند.

پرسش: ازدیاد نیروهای خارجی در افغانستان چه مشکلی را می تواند حل کند؟

کرزی: فرستادن نیروهای بیش تر به دهات و شهر های افغانستان هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد، اما فرستادن نیروها به سرحدات عاقلانه است. نیروهای بیش تر که قوای افغانی را کمک کنند تا مناطقی را دوباره بدست گیرند که بنابر مشکلات جدی آن ها از کنترل ما خارج شدند، عاقلانه است. ما فقط در همین زمینه به کمک نیاز داریم، و فرستادن آن ها به محلات دیگر لازم نیست.

پرسش: آیا آمریکا می خواهد تا ماه آینده ۴۰۰۰ نیروی خود را به ولایت های وردک و لوگر اعزام نماید، نظر شما چیست؟

کرزی: فکر نمی کنم که ما به نیروی بیش تر در این ولایات نیاز داشته باشیم، فکر می کنم ما به حضور این نیروها بیش تر در مناطق سرحدی نیاز داریم، مخصوصاً در هلمند تا کنترل کامل این ولایت را به مردم افغانستان تحت قوانین افغانستان بازگردانیم.

پرسش: انتخابات ریاست جمهوری سال آینده برگزار می گردد، آیا شما قصد کاندیداتوری دارید؟ با در نظر داشت وضعیت کنونی، چرا فکر می کنید مردم برای شما رای بدهند؟

کرزی: قبلاً، نمی خواستم دوباره کاندیدا باشم، اما اکنون تصمیم گرفته ام، برای این که تجربه زیادی آموخته ام و با جامعه جهانی روابطی دارم که مبتنی بر حقایق و صداقت بوده است. به اساس همان حقیقت گرایی، در مورد حقایق

تلخی که بعضاً برای شان آزردهنده واقع شده است، همراه شان واضح صحبت کرده ام و این برای بهبودی کشور ماست؛ اگر چه گفتن حقایق برای شان مانند دوايي تلخ بوده است. من همواره برای حفاظت مردم افغانستان صدا کشیده ام و مردم افغانستان مستحق خدمت هستند. من طرفدار افغانستانی نیستم که بار دوش جامعه جهانی باشد و می خواهم این سفر افغانستان را تکمیل کنم و این ماموریت را به خاطر خوبی افغانستان و جامعه جهانی به اتمام برسانم. می خواهم جامعه جهانی در افغانستان موفق شود و با موفقیت آن ها در افغانستان، مردم افغانستان زنده گی بهتری خواهند داشت و این چیزی است که من می خواهم به خاطر آن در خدمت مردم افغانستان باشم.

پرسش: آیا برای بیرون شدن نیروهای خارجی از افغانستان کدام زمان معینی وجود دارد؟
کرزی: نه، چیزی به نام زمان معینی وجود ندارد و ما نیز طرف دار همچو زمانی نیستیم. ما طرفدار زمان موفقیت این نیروها هستیم و نه زمان بیرون شدن. ما می خواهیم زمان موفقیت تعیین شود، ما خواهان زمان تکمیل ماموریت هستیم. تکمیل ماموریت به معنی شکست تروریسم و به معنی یک افغانستان مرفه، صلح آمیز و دموکراتیک است.

پرسش: هدف کلی شما از این طرح جدید که به جامعه بین المللی پیشنهاد می کنید، چیست؟
کرزی: بازنگری روابط ما با جامعه جهانی در مورد نحوه عملیات های نظامی در افغانستان، تاکید بر موثریت مبارزه با تروریسم با از بین بردن پناهگاه های تروریستان، منابع مالی و تجهیزاتی آن ها، برداشتن موانعی که ناآگاهانه به سر راه دولت افغانستان گذاشته شده است و این که دولت افغانستان بتواند به مردم خود خدمت بیش تر کند و خود را توان مند بسازد. موضوع دیگر ارائه موثر کمک های جامعه جهانی به افغانستان است. اگر در نحوه مصرف این کمک ها تغییرات بیاید و هماهنگی بیش تری به وجود بیاید، کمک های جامعه جهانی در افغانستان می تواند موثریت بیش تری داشته باشد.

پرسش: آیا فکر می کنید که پاکستان در مبارزه با تروریسم جدی عمل می کند؟
کرزی: رئیس جمهور زرداری جدی است و در آن هیچ شکی وجود ندارد. امیدوارم او و دولتش بتواند در این مسیر موفق شود. من به رئیس جمهور زرداری و اهدافش اعتماد دارم. او از دست تروریستان ضربه جدی را متحمل شد و من باور دارم وی آن چه را که لازم است، انجام خواهد داد.

پرسش: نظر شما در مورد توانایی حکومت ملکی پاکستان در تحت کنترل آوردن دستگاه های قوی نظامی و استخباراتی آن چیست؟

کرزی: این مسئله جداگانه است، اما نیت رئیس جمهور زرداری نیک است و توانایی چیزی دیگری است که همه ما در تحقق آن باید کمک کنیم.

پرسش: در مورد عمل کرد حکومت ملکی پاکستان چه فکر می کنید؟
کرزی: رئیس جمهور زرداری و حکومت وی به مبارزه علیه تروریسم متعهد هستند، اما پناهگاه های تروریستان هنوز هم وجود دارند و ما همه باید با هم همکاری نماییم تا آن ها را از بین ببریم. با تاسف در حال حاضر پاکستان نیز از این موضوع رنج می برد، چون ما به موقع برای از بین بردن این پناهگاه ها اقدام نمودیم و این کشور قربانی تروریسم گردید.

پرسش: به نظر شما بزرگ ترین اشتباهی که در هفت سال گذشته صورت گرفته چه بوده است؟
کرزی: عدم تمرکز روی پناهگاه های تروریسم و عدم درک اراده خوب مردم افغانستان.
پرسش: اشتباه بزرگ شما در هفت سال گذشته چه بوده است؟

کرزی: چیز های بسیاری است که من می توانم در باره آن صحبت کنم. در سال ۲۰۰۲ هنگامی که من با نماینده های جامعه جهانی در مورد حمایت از دولت افغانستان و خلع سلاح نمودن زورمندان محلی و غیر قانونی صحبت نمودم، آن ها به من گفتند که در این زمینه با من موافقت نخواهند کرد. در آن زمان باید من در مقابل این مفکوره قرار می گرفتم و می گفتم، خوب در این صورت شما باید تصمیم بگیرید که می مانید یا می روید. دوماً، من با جامعه بین المللی به طور خصوصی و به نرمی وارد صحبت شدم. بدبختانه، بیش تر شان این را ضعف من تلقی می نمودند، ولی این ضعف من نبود. این کار مبین رفتار آمیخته به احترام من و اعتمادی بود که من می خواستم در روابط مان وجود داشته باشد و حال که من در دو سال اخیر با صدای بلند تر حرف می زنم، به معنی نا رضایتی من از گذشته و سال های قبل از ۲۰۰۷ است.

من می خواهم در این مورد برای شما مثالی را ارائه کنم تا شما منظور مرا بهتر بدانید. در سال ۲۰۰۴، مردم از هر گوشه افغانستان آمدند و به من گفتند که پولیس ضعیف است، خصوصاً، در مورد ولسوالی ارغستان ولایت قندهار که با پاکستان به طول ۲۵۰ کیلومتر سرحد مشترک دارد. مردم ارغستان نزد من آمدند و گفتند: رئیس جمهور ما تنها ۴۰ پولیس برای ۶۰ هزار نفر داریم؛ بعضی شان رخصتی مریدی دارند و بعضی شان در وظایف شان حاضر نیستند و به این ترتیب فقط ۱۵ یا ۲۰ نفرشان مصروف اجرای وظیفه اند که نه وسایط دارند نه وسایل نقلیه و

تجهيزات و ماهی ۲۰ دالر معاش می گردند. من این موضوع را با متحدین مان در میان گذاشتم و ما بار ها و بار ها در این مورد صحبت نمودیم. بالاخره، من فکر می کنم که در سال ۲۰۰۵ یا ۲۰۰۶ بعد از بحث های طولانی در جلسات متعدد و بعد از این که من در این باره بسیار تاکید کردم، نماینده نیروی های ائتلاف به من گفت که «آقای رئیس جمهور در مورد کار های مثبت فکر کنید، ما کلینیک می سازیم»، گویا این که کلینیک می تواند مکمل پولیس باشد. پرسش: به نظر می رسد که شما از جامعه جهانی نا امید شده اید؟

کرزی: نه، این طور نیست. من می خواهم برای شان بفهمانم که افغانستان و مردم آن دوستان شان هستند و اگر نهاد ها و حمایت های لازم را در اختیار شان قرار دهید، موفق خواهید شد.

پرسش: مذاکره با طالبان در حال حاضر در چه وضعیتی قرار دارد؟

کرزی: من بسیار می خواهم تا با آن ها مذاکرات صورت گیرد و از همان آغاز کار، در این باره نظر خود را داشتم، ولی من هیچ آرسی از آن ها ندارم و نمی دانم که آن ها را در کجا می توانم بیابم. شما می توانید طالبان پاکستانی را بیابید، ولی نمی دانید که طالبان افغان را باید در کجا جست و جو کنید. من کوشش می کنم آن ها را بیابم، من برای آن ها همواره پیام خواهم فرستاد، من آدرس شان را نمی دانم.

یکی دیگر از مشکلات بزرگ این است که طالبان افغانی هیچ آرسی ندارند. بنا، من به آن چه در ابتدا گفتم بر می گردم، ما باید بر پناهگاه های تروریستان و صحبت در این مورد با بردران مان در پاکستان تمرکز نمایم.

پرسش: در مورد اوپاما رئیس جمهور منتخب آمریکا چه فکر می کنید؟

کرزی: من وی را یک مرد شایسته می دانم و مطمئن هستم که وی از درک لازم در مورد نیاز ها و مشکلات مردم افغانستان برخوردار است. من گفته های وی را به عنوان انتقاد از خودم تلقی نمی کنم؛ وی گزارش ها را می خواند.

البته، در بعضی مواقع من در مقابل بعضی از مقامات در این جا با جدیت برخورد می کنم و زمانی که شما با کسی با جدیت برخورد کنید، این موضوع در کشور شخص مورد نظر، به اشکال مختلف انعکاس خواهد یافت. ببینید، ما در مبارزه علیه تروریسم در یک برهه زمانی بسیار پیچیده قرار داریم؛ هم برای آمریکا و هم برای افغانستان. این سفر مدت مدیدی است که ادامه دارد و یک مدت طولانی دیگر نیز ادامه خواهد یافت. بنا در جریان این سفر روز های هستند که ما از هم دیگر راضی نیستیم، روز هایی که نسبت به گذشته در آن ما با صدای بلند تر حرف خورد را بیان می کنیم. در بعضی مواقع رهبری آمریکا الفاظ شدید مرا تحمل نموده است و من برای این کار از آن ها تشکر میکنم و در بعضی مواقع، من دانش و معلومات ناکافی شان را در مورد افغانستان تحمل کرده ام.

پرسش: در موارد مختلف چنین به نظر می رسد که شما عامل اشتباهاتی که در افغانستان انجام شده اند، دانسته شده اید و مردم فقط رئیس جمهور کرزی را برای همه چیز متهم می سازند. شما در این مورد چه فکر می کنید؟

کرزی: این حرف کاملاً غلط است. ولی با آن هم من رئیس جمهور هستم و طبیعتاً مردم مرا متهم خواهند کرد. من رئیس جمهورم و مردم همه از من انتقاد می کنند. مردم افغانستان از من انتظاراتی دارند، جامعه بین المللی هم از من انتظاراتی دارند و من و مردم افغانستان از جامعه بین المللی انتظاراتی داریم، ولی مردم افغانستان از احساس من نسبت خودشان و کارهایی که من انجام داده ام، باخبرند. جامعه جهانی گاهی از درک این مطلب عاجز است. گذشته

از این ها، جامعه بین المللی به خصوص رسانه های غربی از همان ابتدا مرا شاروال کابل خطاب کرده اند. بنا هنوز هم این دیدگاه تغیر نکرده، در حالی که ما در تاریخ افغانستان برای اولین بار دولتی داشته ایم که توانسته به بیش تر از نصف کشور و ۴۰ هزار قریه دست رسی داشته باشد. در طول تاریخ افغانستان این اولین بار است که در دور دست ترین نقاط افغانستان یعنی ارتفاعات پامیر، کلینیک سیار، سهولت های صحرایی و مکاتب دیده می شوند. برای

اولین بار در افغانستان شما می توانید با استفاده از سرک به دور ترین نقاط افغانستان سفر کنید. برای اولین بار در تاریخ افغانستان خدمات صحرایی بیشتر از ۸۵ درصد جمعیت کشور را تحت پوشش قرار داده است. کار های زیادی در کشور انجام شده اند که می توان از آن ها یاد کرد و به آن ها افتخار نمود و البته جامعه بین المللی نیز در این افتخار با ما شریک است و من با وجود عصبانیت و انتقاد از اشتباهات انجام شده، از آن ها تشکر می کنم.

پرسش: تلفات ملکی و حملاتی که شما از آن ها نام بردید، هنوز هم ادامه دارند، آیا زمان آن فرا خواهد رسید که افغانستان بگوید: دیگر کافی است و بخواهد که نیرو های بین المللی افغانستان را ترک کنند.

کرزی: من امیدوارم که تلفات غیر نظامیان و حملات متوقف گردند و امیدوارم که ما وادار به این کار نشویم. من بسیار عصبانی و ناراضی هستم و می خواهم آن را نشان دهم و می خواهم که آن ها از این خشم من و خشم مردم افغانستان باخبر شوند، ولی به دلیل اشتیاقی که برای موفقیت و دوستی که با جامعه بین المللی داریم، ما و مردم افغانستان بسیار صبور هستیم و تحمل می کنیم.

پرسش: ولی آیا شما در هیچ مقطعی از زمان خواستار ترک نیرو های خارجی نخواهید شد؟

کرزی: در صورتی که این کار متوقف نگردد، روزی فرا خواهد رسید که مردم افغانستان به طور ناگهانی خواستار

این امر شوند .

پرسش: تا جایی که اضافه کردن نیرو در افغانستان و تقویت ملیشه های محلی مطرح است، شما باور ندارید؟
کرزی: ملیشه ها نه ببینید آن ها منظور مرا درست درک نکرده اند. آن ها اشتباه می کنند، برای شان بگویند که اشتباه می کنید. من امروز در مطبوعات بین المللی دیدم که در مورد تقویت ملیشه های قبیایلی مطلبی را نشر کرده بودند. این یک فاجعه است. این چیزی نیست که من خواسته بودم. من به دست آوردن اعتماد قبایل افغان و بزرگان و متنفذین شان را خواستار گردیدم. من در قدم اول خواستار پایان بخشیدن به آزار و تهدید، دستگیری و داخل شدن به خانه های مردم و بعد به دست آوردن اعتماد شان هستم و این که باید این کار از طریق دولت افغانستان و از طریق میکانیزمی که ما پیشنهاد کردیم، انجام شود و میکانیزم شامل تقویت ملیشه ها نمی گردد. مردم افغانستان دیگر ملیشه نمی خواهند. مردم افغانستان سال های متمادی رنج ملیشه ها را متحمل شده اند .

پرسش: بعضی از مردم می گویند که افغانستان به یک رهبر قوی نیاز دارد!
کرزی: این حرف چه معنی می دهد؟ یک رهبر قوی به چه معنی؟ آیا یک رهبر قوی به معنی زندانی ساختن مردم است؟ یک رهبر قوی به معنی بیرون کردن جامعه بین المللی از افغانستان است؟ آیا یک رهبر قوی به معنی خواستن تغییر در استراتژی است؟ یک رهبر قوی به چه معنی؟ به این معنی که ملیشه های شخصی داشته باشد؟ یک اردوی شخصی داشته باشد؟ یا کسی که همیشه کشور را متحد نگه داشته است، افغانستان را خانه همه افغان ها ساخته است، در هنگام ضرورت صدایش را بلند نموده است، تقریباً با تمام کشور در تفاهم است، آزادی مطبوعات را احترام نموده و در گسترش آن سعی ورزیده است، به دموکراسی و آزادی بیان باور دارد و خواستار تغییرات لازم در رفتار جامعه بین المللی گردیده است. به هر صورت، من خواستار تغییر هستم. من متهم شده ام که یک رهبر قوی نیستم، بیش تر توسط جامعه بین المللی. اگر من با آن ها موافقت نشان دهم، آن وقت آن ها مرا یک رهبر قوی می دانند و زمانی که من خواستار تغییر می شوم، من یک رهبر ضعیف هستم. زمانی که من خاموشی اختیار نموده بودم، یک رهبر خوب بودم. ولی زمانی که من صدای خودم را بلند کردم، یک رهبر بد و یک مرد خشن خطاب می شوم. ولی البته در داخل کشور من از نرمی کار گرفته ام. بسیار بسیار به نرمی رفتار کرده ام و این کار را من قصداً انجام دادم، من همیشه یک مشوق بوده ام و هیچ گاه به فشار و جبر باور نداشته ام و به باور من، این باعث شده که در طول سال ها با وجود مشکلات و با توجه به محیطی که ما در آن قرار داریم، کشور متحد باقی بماند. با وجود تمام مشکلات و ناهمواری ها، ما افغانستان را در جهت درست هدایت نمودیم. بنا، من در داخل کشور به نرمی رفتار نمودم و با خارجیان در جایی که لازم بوده با جدیت رفتار کرده ام.

اما پس از این همه ناکامی، حامد کرزی، در دیدار و گفت و گو با هیأت حقیقت یاب شورای امنیت سازمان ملل متحد، واقعیت های هفت ساله افغانستان و ناکامی ها را که همه آن ها به گردن او و دولتش انداخته شده، بیان کرده تا واقعا هیأت شورای امنیت، پی به واقعیت های موجود افغانستان و علت ناکامی های گذشته ببرند . البته دولت افغانستان به نوبه خود، ضعف های زیادی در هفت سال گذشته داشته و سهم ویژه ای در ناکامی ها دارد که غیرقابل انکار است، اما مقصر اصلی و ناکام بزرگ هفت سال تلاش برای ایجاد افغانستانی آباد و امن، آمریکا و هم پیمانان این کشور اند.

چرا طالبان هنوز قوی استند؟

حامد کرزی، رییس جمهور در مقابل هیاتی از شورای امنیت سازمان ملل متحد در کاخ ریاست جمهوری، با مطرح کردن این سوال که چرا با توجه به شمار کشورهایایی که پول هزینه می کنند، طالبان هنوز هم قوی است، گفت: این جنگ هفت سال است که وجود دارد، افغان ها دیگر نمی دانند و توجیه نمی شوند که چرا نیروی کوچکی مانند طالبان هنوز وجود دارد، می تواند رشد کند و حملاتی را ترتیب دهد؟

وی اعلام کرد که با وجود کل نیروهای ناتو در افغانستان و کل جامعه جهانی در حمایت از آن ها، هنوز نمی توان طالبان را شکست داد .

وی گفت: اگر زمان بندی وجود نداشته باشد، ما این حق را داریم تا راه حل دیگری برای صلح و امنیت یعنی مذاکره، پیدا کنیم .

کرزی گفت که وی به نبرد با اعضای القاعده و طالبان که از لحاظ ایدئولوژیک با بقیه جهان در تضاد هستند، ادامه خواهد داد، اما اگر اعضای طالبان، بخشی از جامعه افغانستان شوند، می توانند برای خدمت به کشور مورد استفاده قرار گیرند .

رییس جمهور تصریح کرد که از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ تاکنون، امنیت در افغانستان وخیم تر شده است، زیرا جامعه بین المللی تمرکز خود را از دست داد و به طالبان اجازه داد تا بار دیگر خود را آرایش دهد و پناه گاه هایی در پاکستان ایجاد کند که تا سال پیش با آن برخوردی نشد .

به گفته های رئیس جمهور و به عنوان دلایل ناکامی در مبارزه با طالبان باید افزود: آمریکا و انگلیس که دو هم پیمان عمده در مبارزه با تروریسم هستند، اما منافع و سیاست های متضاد با یک دیگر را در افغانستان دنبال می کنند، در طول هفت سال گذشته، همواره سعی کرده اند تا هر کدام به نوعی، از طالبان در راستای منافع خود، استفاده ایزاری کنند؛ آمریکا در طول این سال ها فشارهای لازم را برای نابودی طالبان اعمال نکرد و به این وسیله به آن ها مجال داد تا پدیدآورنده ناآرامی های دوام دار در افغانستان باشند تا زمینه حضور طولانی مدت نیروهای این کشور مساعد گردد و انگلیس هم علنا از در مذاکره و مصالحه با طالبان وارد شده و به تجهیز و تربیت بیش تر و بهتر آن ها، کمک نموده است.

آمریکا و انگلیس در طول هفت سال حضور خود در افغانستان، به جای مبارزه با تروریسم، جنگ افغانستان را به جنگ منافع خود در منطقه مبدل کرده و این دو کشور نه به خاطر کمک به مردم افغانستان برای از بین بردن تروریسم و شورشیان طالب، به افغانستان لشکر کشیدند، بلکه آمریکا و انگلیس جنگ بی پایانی را در راستای توسعه اهداف سلطه طلبانه و منافع یک جانبه خویش در کشور آغاز نمودند که امروز این سیاست های آن ها، جز این که بر وخامت اوضاع افزوده، مردم افغانستان را قربانی گرفته و آمریکا و انگلیس را در باتلاق افغانستان گرفتار ساخته، دست آورد دیگری به همراه نداشته است.

در این بین، طالبانی که از آن ها، جز چند رهبر فراری، چیزی بیش باقی نمانده بود، با استفاده از فرصت هایی که مبارزین علیه آن ها از دست دادند، توانستند به خوبی، خود را مجدداً بازاریابی نموده و نزدیک به ۷۰ هزار نیروی خارجی و ۲۰۰ هزار نیروی داخلی را زمین گیر سازند.

آمریکا و ناتو؛ دولت موازی با دولت؟!

نیروهای بین المللی کمک به امنیت افغانستان (آیساف) و همچنین نیروهای ائتلاف مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا در کشور، در سال های گذشته، در ولایت ها و ولسوالی های کشور، اقدام به ایجاد تیم های بازسازی نظامی - غیر نظامی ولایتی کرده اند که وظیفه اصلی آن ها بازسازی و توسعه بوده است، اما حامد کرزی عنوان کرد که حضور تیم های بازسازی ولایتی و یا PRT باعث تضعیف نقش دولت محلی شده است.

وی در این باره گفت: مشکل در این جا این است که حضور جامعه بین المللی يك دولت موازی را همانند دولت افغانستان ایجاد کرده است. این تیم های بازسازی در بخش های مشخصی از کشور يك ساختار موازی برای والی ولایت شده اند.

وی از ذکر توضیح بیش تر در این رابطه که این تیم ها چه گونه دولت های موازی ایجاد کرده اند، خودداری کرد، ولی می توان گفت، چون جامعه جهانی پس از حضور در افغانستان، به دولت ناتو و ضعیف افغانستان، جهت پیش برد امورات خود، کمک می نموده اند، همواره حق خود می دانستند تا در امور داخلی کشور مداخله نمایند و در مقابل، هیچ قانون و مانعی را نمی پذیرفته اند.

در طول این مدت، قسمت اعظم کمک های جامعه جهانی بدون هماهنگی با دولت افغانستان، با صلاح دید این کشورها و مطابق با پلانی که آن ها ترتیب داده بودند، در کشور به مصرف رسیده و به همین دلیل، موثریت چندانی به دنبال نداشته است. در این بین، قسمت عمده ای از این کمک ها، توسط موسسات وابسته به کشورهای مختلف حیف و میل شده و به گونه ای، باز به این کشورها بازگشته است.

این در حالی است که دولت افغانستان بارها از جامعه جهانی و در کنفرانس های مختلف به خصوص در پاریس و لندن خواسته است که کمک های خود را از طریق بودجه دولت به مصرف برسانند و در این بین، برای افزایش ظرفیت های دولت، تلاش موثر و جدی به خرج دهند تا از عدم حیف و میل آن، مطمئن گردند، اما علی رغم وعده ها، کم تر به این مسئله توجه شده است.

از سویی دیگر، هر یک از کشورهای حاضر در افغانستان، نیروهای خود را در ولایتی مستقر ساخته و به این وسیله، حفاظی دروغین برای نیروهای خود ایجاد کرده اند. آن ها در طول مدت حضور خود در افغانستان، تنها و تنها خود را در برابر ولایتی که حضور داشته اند، مسئول دانسته و کاری به کار ولایت های هم جوار و سایر نقاط کشور نداشته اند که این وضعیت و به تبع آن، نبود هماهنگی میان کشورهای حاضر در افغانستان، مشکلات و چالش ها را در کشور افزوده است.

جدول زمانی برای خروج نیروهای خارجی!

رئیس جمهور کرزی و آگاهان مسائل افغانستان، در طول سال های گذشته، بارها از آمریکا و هم پیمانان این کشور خواستند که به جای جنگ در دهات افغانستان که به گفته رئیس جمهور، «تروریستی در آن جا نیست»، تمرکز خود را بر پناه گاه های اصلی و مأمین های تروریسم در آن سوی سرحد، معطوف دارند، اما عملاً خلاف چنین درخواستی عمل شد و روز به روز بر دامنه جنگ در داخل افغانستان، افزوده گردید.

در این بین، جنگ ناهماهنگ آمریکا و هم پیمانان این کشور در افغانستان، بیش از پیش، مواضع غیرنظامیان را هدف قرار داد و تلاشی های خانه به خانه و عدم توجه به فرهنگ و سنن مردم، به آن ها، لقب نیروهای متجاوز دارد. چنین وضعیتی، روز به روز بر اعتراض های مردمی افزود و در این اواخر، در حالی که کاسه صبر مردم واقعا لبریز شده، سخن از قیام عمومی علیه نظامیان خارجی، زده می شود و هشدارهایی در این مورد داده می شود. از این رو، مردم افغانستان هم، هم صدا با طالبان، خواستار خروج نیروهای خارجی شده اند، اما تلاش های دولت افغانستان برای در چهارچوب قانون در آوردن حضور خارجی ها در افغانستان و چه گونه گی فعالیت آن ها، تاکنون بی نتیجه باقی مانده است.

به همین دلیل رییس جمهور در قسمت دیگری از سخنان خود با هیأت حقیقت یاب شورای امنیت، خواستار تعیین جدول زمانی برای عقب نشینی نیروهای بین المللی شد.

وی از سازمان ملل خواست تا يك جدول زمانی برای عقب نشینی نیروهای خارجی از افغانستان تنظیم کند. کرزی به تیم حقیقت یاب شورای امنیت گفت: افغانستان باید بداند که جنگ علیه تروریسم آمریکا در کشور تا چه زمانی به طول می انجامد؛ در غیر این صورت باید در راستای ایجاد توافق سیاسی با شورشیان گروه طالبان تلاش کند.

وی ادامه داد: به جای انجام جنگ علیه تروریسم و پناه گاه های شورشیان، ما این جنگ را در دهات افغانستان که هیچ تروریستی در آن جا نیست، ادامه می دهیم.

کرزی بیان کرد که بمب گذاری و عملیات در دهات باید متوقف شود. رییس جمهور هم چنین خاتمه دادن به دستگیری افغان ها در خانه های شان و در راه ها توسط نیروهای بین المللی را خواستار شده و تاکید کرد که این مهم بر عهده پولیس افغانستان است. وی خواستار سرمایه گذاری برای توسعه اردوی ملی افغانستان و نیروی پولیس شد و اعلام داشت که گسترش آن ها باید سرعت گیرد.

شورای امنیت و باز هم ناکامی؟!

به هر حال با توجه به واقعیت هایی که پس از هفت سال، طی روزهای گذشته در گفت و گو با هیأت حقیقت یاب و در هفته های گذشته با مردم، از سوی رئیس جمهور بیان شد، بسیاری از مردم و دولت مردان، به بررسی های هیأت شورای امنیت، امید بسته اند تا این هیأت بتواند با استفاده از موقفی که دارد، شرایط افغانستان را من بعد، به گونه ای دیگر رقم بزند و بتواند تحولی در استراتژی های جامعه جهانی در افغانستان، به وجود آورد، اما شورای امنیت به واقع می تواند چنین کند؟!

تاکنون هیأت های حقیقت یاب متعددی از سوی نهادهای جهانی به خصوص سازمان ملل و کشورهای بزرگ و ذی دخل در افغانستان به خصوص آمریکا، برای حل مشکلات وارد کشور شده، اما نتایج تحقیق و دست آوردهای آن ها، تأثیری بر سیاست های نادرست و اشتباه غرب در افغانستان نداشته است و با این پیش زمینه، به نظر نمی رسد این بار نیز شورای امنیت سازمان ملل بتواند کاری به پیش ببرد.

نهایت کاری که هیأت شورای امنیت می تواند انجام دهد، این است که نتایج بررسی های خود را در قطع نامه ای بگنجاند و به این وسیله، از سردم داران مبارزه کننده با تروریسم بخواهد استراتژی های خود را در افغانستان تغییر دهند، اما پنج عضو دائم شورای امنیت، با داشتن حق وتو، همواره سدی پولادین را در برابر قطع نامه های این شورا ایجاد کرده و هر قطع نامه ای که خلاف منافع آن ها بوده، وتو کرده اند. وجود این مشکل ساختاری در شورای امنیت، سبب شده تا این شورا، ابزاری در دست ابرقدرت ها باشد و بدون شک، اگر ارزیابی های هیأت حقیقت یاب شورای امنیت به مزاق آمریکا و انگلیس به عنوان فعالان حضور در افغانستان خوش نیامد، این کشورها بدون شک، آن را وتو خواهند کرد.

رییس جمهور کرزی اخیرا به دنبال تغییری در روی کرد خویش، با صراحت بر واقعیت های هفت سال ناکامی در افغانستان، اعتراف می کند. وی به خصوص در دیدار با هیئت حقیقت یاب شورای امنیت سازمان ملل متحد، واقعیت های کشور را بیان نمود و به شدت از سیاست های دولت خود و جامعه جهانی در افغانستان انتقاد کرد. این گونه صحبت های رئیس جمهور که با لحن ساده، عامیانه و جذاب وی صورت می گیرد، در طول هفته های گذشته بارها تکرار شده است، اما بسیاری بر این عقیده اند که این سخنان به دنبال کاهش حمایت های جهانی از کرزی و تلاش وی برای پیروزی در انتخابات آینده، بیان می شود، ولی به هر صورت، بیان این واقعیت ها، اگرچه بسیار دیر هنگام صورت می گیرد، به نفع افغانستان است.

در جدیدترین سخنان، رئیس جمهور کرزی در مصاحبه ای با روزنامه شیکاگو تریبیون در مورد روی کردهای جدید آمریکا در افغانستان مبنی بر مسلح ساختن اقوام، انتقاد های باراک اوباما در زمان رقابت های انتخاباتی این کشور،

مبارزه با تروریسم، افزایش نیروهای خارجی، کشتار غیرنظامیان و تصمیم او برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، سخن گفته است.

دو مصاحبه محترم کرزی صاحب که در این اواخر در رسانه های مختلف به نشر رسیده است با استفاده از سایت های انتر نییتی جمع بندی گردیده است . و سلام